



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۳/۰۷/۱۲

بصیر عادل

ژئوپلیتیک؛ تأثیر بستر جغرافیا بر زایش سیاست در افغانستان

جغرافیای سیاسی و در بطن آن ژئوپلیتیک یکی از مهمترین و کاربردی ترین شاخه های جغرافیای انسانی است در نخستین برخورد با مباحث جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی (ژئوپلیتیک) توجه به این اصل شایان اهمیت است، این مباحث از روابط جغرافیا و سیاست سخن می گوید. جغرافیای سیاسی، جغرافیای برگرفته از سیاست است به عبارتی دیگر جغرافیای سیاسی نقش تصمیم گیری های سیاسی بر جغرافیا را مورد مطالعه قرار می دهد اما بررسی نقش جغرافیا در تصمیم گیری های سیاسی موضوع مورد مطالعه ژئوپلیتیک محسوب می شود^۱، در این مقاله کوشش می نمایم از این بُعد «تأثیر بستر جغرافیا بر زایش سیاست در افغانستان بخصوص تأثیر جغرافیا افغانستان در ادوار مختلف بر سیاست گذارهای کلان کشورهای ابر قدرت» را مورد مطالعه قرار دهیم.

در مورد شکل و موقعیت جغرافیا دیدگاه های متفاوت وجود دارند؛ هر یک از اندیشمندان در ادوار مختلف براساس شرایط زمان، مکان و نیازمندی های خود تحلیل های متفاوت و گوناگون از تأثیر جغرافیا بر سیاست ارایه نموده است. بعضی ها معتقد اند، شکل و ترکیب کشور باید بگونه ای باشد که ورود بیگانگان به آن مشکل و خروج از آن برای مردمش آسان و دفاع از آن به راحتی امکانپذیر^۲ باشد، در گذشته ها دریا یکی از عوامل بازدارنده حمله بیگانه گان به کشور^۳ تلقی می شد. ماهان یکی از اندیشمندان برجسته علم ژئوپلیتیک، شش عامل ذیل را بر قدرت دریایی تأثیر گذار می داند: موقعیت جغرافیایی، وضع خطوط ساحلی، طول ساحل، میزان جمعیت، ویژگی های ملی و خط مشی حکومت و رهبران سیاسی^۴، در صورتیکه هر یک از کشورها، شش مشخصه فوق و یا بیشترین از این مشخصه ها را داشته باشند، می تواند نقش تعیین کننده در روابط بین الملل ایفا کند.

هالفورد مکیندر یکی از پیشکسوتان علم ژئوپلیتیک با یک تیوری کاملاً متفاوت وارد مباحث ژئوپلیتیک می شوند، وی مردم جهان را در سه بخش تقسیم می کند: ناحیه محور که بدان قلب زمین (هارتلند) می گویند، هلال داخلی یا حاشیه ای که شامل یک قوس ساحلی در اطراف هارتلند است و هلال خارجی یا منزوی^۵، به اعتقاد مکیندر کسی که بر اروپای شرقی حکومت کند، بر هارتلند حکومت می کند و کسی که بر هارتلند حکومت کند، بر جزیره جهانی حاکم است. ^۶ اسپایکمن با این تقسیمات مکیندر موافق نیست و دیدگاه های مکیندر را به نهوء زیر سوال می برند، و در یک تقسیم بندی دیگر دیدگاه اش را چنین ارایه می کند: کسی که بر ریملند (منطقه مجاور هارتلند یک بخش در قاره ای و بخش دیگر ان اقیانوسی است) حاکم است، بر آسیا- اروپا حکومت می کند و کسی که بر آسیا- اروپا حاکم است، سرنوشت جهان را رقم می زند. ^{viii}

به طور کل می توان گفت، تعداد کثیری از اندیشمندان معتقد است که موقعیت جغرافیایی تأثیر مستقیم بالای سیاست آن کشور دارند. و حتی هانتینگتون از این هم پیشتر رفته و انسان در میان دستهای طبیعت جز گل کوزه گری چیزی دیگر^{ix}، نمی داند. اهمیت جغرافیا موضوع است که از زمان های دور مورد بحث بوده اند؛ فردریک راتسل که به عنوان بنیانگذار این طرز تفکر در 1897 معتقد بود: وسعت سرزمین و موقعیت کشور دو شاخصه عمده در جغرافیای سیاسی می باشند. ^x این موارد نشان دهنده آن است که سیاست های وضع شده در قبال کشورها به شکلی از اشکال متأثر از موقعیت جغرافیایی آن می باشند. افغانستان منحصیث یکی از کشورهای محاط به خشکه نمی تواند از امر مثبتی باشد؛ به همین دلیل در طول تاریخ نوین این کشور؛ سه بار مورد تاخت و تاز انگلستان یک بار مورد تجاوز اتحاد جماهیر شوروی و یک بار هم بعد از حادثه 11 سپتامبر حدوداً 41 کشور به سرکردگی ایالات متحده آمریکا در قالب شورای امنیت سازمان ملل متحد وارد افغانستان شدند. این همه تجاوزات این را تداعی می کند که این جغرافیا به لحاظ ژئوپلیتیک اهمیت زیاد دارد و به همین دلیل ورود ابر قدرت ها به این منطقه در طول تاریخ هزینه بر بوده است.

د پاپو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولی

موقعیت ستراتیژیک و جغرافیایی سیاسی ممتاز افغانستان همواره برای این کشور پر دردرس و برای جهانگشایان و اشغالگران پر اهمیت و با ارزش بوده است. معهدا برای هر دو طرف فلاکت و بدبختی آفریده است. نه مردم افغانستان از این موقعیت ستراتیژیک به نحو احسن که برای سعادت و رفاه مردم افغانستان مفید باشد استفاده توانسته و نه اشغالگران درین سرزمین به ارزوهای خام خویش رسیده اند. xi افغانستان از نگاه جغرافیایی در مرکز آسیا حیثیت چهارراه را در بین مناطق بزرگ این قاره دارد (به همین خاطر) در جریان تاریخ درازمدت خود مکررا مورد هجوم قرار گرفته و حرص جهانگشایان را تحریک کرده است. xii هرات که به عنوان کلید باب ورود به ابهای گرم محسوب می شوند، به لحاظ اقتصادی در چهار راه جاده های بازرگانی از هند به سوی آسیای میانه و ایران واقع است و از زمان های قدیم نقش مهم در عرصه تجارت داشته است. xiii ما و قتیکه از افغانستان به عنوان قلب آسیا و نبض سیاسی جهان یاد می کنیم، یک سخن احساساتی محض نیست بلکه واقعیت این است که افغانستان در قدیم نقطه ی اتصال تمدن ها و قدرت های بزرگ چین، روسیه، ایران، هند، یونان و روم شرقی بوده و به نحوی تسلط بر آن تسلط بر اوضاع آسیایی میانه، جنوب آسیا، خاورمیانه و شرق اروپا محسوب می شده است. xiv به همین ملحوظ افغانستان در طول تاریخ میدان کش مکش بین ابرقدرت ها بوده و است، و گاهی هم از این جغرافیا به عنوان حایل یا بوفر استفاده نموده است. افغانستان مستقل به جای آنکه موضوع کش مکش میان آنها (بریتانیا و شوروی) باشد می تواند نقش نوعی حایل و پوشال را بازی کند. xv چنانچه با امضای موافقتنامه بازرگانی بریتانیا و شوروی در سال 1921 ... افغانستان در موقعیت راحت موازنه میان بریتانیای کبیر و روسیه شوروی تثبیت شده بود. xvi این رقابت ها بین دو قدرت بزرگ « انگلیس ها و روسها » جریان تاریخ افغانستان را در قرن نهم شکل داد. xvii به تعقیب آن رقابت میان شوروی و ایالات متحده امریکا در این جغرافیا به تاریخ افغانستان سمت و سوء داد.

در هفدهم جون 1809 برای نخستین بار معاهده دفاعی بین افغانستان و انگلیس به امضا رسید، این معاهده نشانگر آن است که موقعیت جغرافیایی افغانستان برای حفاظت مستعمرات انگلیس اهمیت بسیار دارد چون در این معاهده شاه شجاع متعهد شده بود که اجازه ندهد فرانسوی ها از طریق کابل به هند حمله کنند. xviii در یکی از مواد این معاهده چنین تذکر رفته بود: چون فراسویان و ایرانی ها برخلاف دولت افغانستان متحد شده اند هرگاه خواسته باشند از افغانستان عبور و به هند حمله نمایند افغانستان مخالفت نماید. xix روابط با ابر قدرتها در طول تاریخ دارای فراز و نشیب بوده است و تنها با داشتن یکی، دو معاهده خلاصه نمی شد، گاهی در امورات داخلی افغانستان مداخله می کردند و تضادهای قومی، سمتی، زبانی... را دامن می زدند. چنانچه دستگاه سیاست خارجی انگلیس به یکی از ماموران خود این نصایح را می آموزاند: موضوع مهم برای تو در ماموریت آینده دو نکته است: اول: یافتن نقاط ضعف مسلمانان که ما را در نفوذ به آنها و ایجاد تفرقه و اختلاف بین گروه ها موفق کند. زیرا عامل پیروزی ما بر دشمن، شناخت این مسایل است. دوم: پس از شناخت نقاط ضعف، اقدام به ایجاد تفرقه و اختلاف ضروری است. هرگاه در این کار مهم توانایی لازم از خود نشان دهی، باید مطمئن باشی که در شمار بهترین جاسوسان انگلیس، و شایسته ای نشان افتخار خواهی بود. xx و به تعقیب آن در جای دیگری می فرمایند، برای اداره مستعمرات باید به این دو نکته توجه لازم مبذول داریم: اول، اتخاذ تدبیری به منظور تحکیم نفوذ دولت امپراتوری انگلیس، در مناطقی که اکنون به صورت کامل، مستعمره ی این کشورند. دوم: تنظیم برنامه های برای به چنگ آوردن و در اختیار گرفتن سرزمین هایی که هنوز کاملا در دام استعمار نیافتاده اند. xxi افغانستان برای انگلستان که دلداده «قوت و قدرت» xxii است، نه تنها چونان یک مستعمره، بل نیز همچون تخته خیر نظامی- ستراتیژیک برای پهن سازی گستره جویی به سوی آسیای میانه و ایران دلچسپ بود. xxiii به همین خاطر در طول تاریخ سه بار به افغانستان لشکر کشید؛ و هر بار مبارزین افغان مصمم تر و متعهدتر از قبل پوزه استعمار را به خاک و خون کشید. هر بار با تحمل هزینه های بلند انسانی و اقتصادی، مایوس گونه از افغانستان رخت سفر می بست.

این نگرش حرص گونه، خون آشام و استعمار گونه تنها مختص انگلیس نیست، روسها همچنان فرصت را از دست نداده و برای پیدا نمودن جای پا در افغانستان از هر حيله و نیرنگی کار گرفتند. xxiv چنانچه جوهر سیاست شوروی در سراسر دوره پس از 1921 عبارت بود از تلاش برای همکاری دولت های ملی در آسیا و گسترش نفوذ شوروی در مناطق این دولت ها، xxv بلشویک ها نمی توانستند لحظه مناسب و مساعد برای تحکیم موقف خود در «چهار راه آسیا» را فرو گذارند. اتحاد با افغانستان برای روسیه شوروی دورنمای دارای مقیاس جهانی را می گشود. ... به تاریخ 23 جون 1919 یک بلشویکی قدیمی با استاژ پیش از انقلاب- یاکف (یعقوب) سوریتس گماشته شد. ... در تابستان 1919 لنین اندیشه بهره برداری از افغانستان چونان تخته خیزی برای صدور انقلاب به آسیای میانه (و هند) را در سر می پروراند. xxvi چون به نظر روسها امیر نو- امان الله خان به انگلیسی ستیزی به نام است. او زیر هیچ عنوانی به انگلیس وارد تعامل نخواهد شد هرگاه چنین کاری ممکن باشد. او دوست نزدیک و بی الایش ما است و این بدان معنا است که دروازه های هند به روی حکومت روسیه کاملا باز است. هرگاه تنها حکومت روسیه بتواند

بی درنگ از تحول اوضاع مساعد بهره برداری نماید.^{xxvii} لنین نیز در ذهن خود رسیدن به ابهای گرم را می پروراند؛ در یکی از صحبتها اش چنین تصریح می کند که در لحظه کنونی، راه به سوی هند برای ما می تواند نسبت به «مجارستان شوروی» بیشتر هموار تر و کوتاه تر باشد.^{xxviii} این پیامها یگانه موردی را که به ما تداعی می کند این است؛ افغانستان مناسب ترین تخته خیر به طرف ابهای گرم است؛ چنانچه یکی از ماموران سرخ همسنگران خود را چنین مخاطب قرار میدهد: رفقای دسته پامیر! به شما رسالت خطیری سپرده شده است. جمهوری شوراها شما را به پاسگاه پامیر گسیل داشته است- به مرزهای کشورهای دوست - هند و افغانستان. کوه های پامیر روسیه انقلابی را از هند که در آن 300 میلیون انسان که از سوی انگلیسی ها به بردگی گرفته شده اند، جدا می سازد. در این فلات کوهستانی، شما پیک بران انقلاب، بایست درفش سرخ ارتش رهایی بخش را بر فراز بام دنیا(کوه های پامیر) بر افرازید!^{xxix}

روی همرفته روسها به این پیامها، سیاست گذاریها و سوء ظن ها بسنده نکرده؛ تا اینکه به تاریخ 27 سمبر سال 1979 صدایی بیرک کارمل از طریق امواج رادیو این چنین طنین انداز شد: «قطعات محدود اتحاد شوروی، بنابر دعوت دولت ها و حکومت قبلی افغانستان به افغانستان آمده اند تا با مردم افغانستان در حصه دفاع از تمامیت ارضی، استقلال ملی و دفاع از سرزمین پدر وطن آنها کمک نمایند...».^{xxx} تاریخ افغانستان این را ثابت کرده است که این آمدن ها حتما رفتنی افتضاح گونه در پی خواهد داشت. تا اینکه با تحمل سیزده هزار کشته، سی و پنج هزار زخمی و میلیاردها دالر خساره ی مادی،^{xxxi} به تاریخ 15 فیبروری 1989^{xxxii} آخرین عسکر قشون سرخ، سرافکنده، مظلوم، شرمسار... خاک افغانستان را ترک کرد. درسی را که از افغانستان آموختند، به پسران خود آموختاندند که شاید بتوان افغانستان را در کمترین وقت تسخیر کرد؛ اما هرگز نمی توان کنترل کرد.

بعد از جنگ دوم جهانی امریکا بصورت نه چندان موثر جایگزین انگلیس به حیث یک قدرت جهانی توازن بخش در جغرافیای سیاسی جنوب در مخالفت با شوروی شد.^{xxxiii} ریگان و نکسن دو دوست راست افراطی و جوان، یکی در دنیای فلم و هنر و دیگری در دنیای سیاست از همان آغاز به مبارزه با کمونیزم کمر بسته بودند.^{xxxiv} افغانستان منحیث یک منطقه ستراتیژیک نمی توانست از سایه شوم جنگ سرد در امان بماند، جنگی که برای کشورهای شوروی و امریکا سرد؛ اما برای افغانستان گرم تر از هر دوران دیگری بود. امریکا هم از این قافله تجاوز بر افغانستان به عقب نماند، امریکایی که توجه خود را به خارج از خاک امریکا معطوف کردند و بدین ترتیب تلاش برای گستردن بیشتر نفوذ امریکا برای تسلط سیاسی، اقتصادی و نظامی بر سراسر کره زمین متولد شد.^{xxxv} چنانچه در سالهای 1980 برژنسکی با مقامات پاکستانی به توافق رسید که به خاطر حمایت مجاهدین پاکستان دهلیز اکمالات نظامی و لوژستیکی جنگ علیه قوای شوروی و حکومت مورد حمایت شان قرار بگیرد.^{xxxvi}

حضور امریکا در این منطقه از سالهای دور محسوس بود، بعد از حادثه 11 سپتامبر 2001 جورج دبلیو بوش چنین اذعان نمود: «بین کسانی که این اعمال را انجام دادند و کسانی که به آن ها پناه دادند، هیچ فرقی قایل نمی شویم.»^{xxxvii} از همین جهت به بهانه نابودی تروریسم، دفاع از اتباع و منافع امریکا و تعقیب دشمنانش به افغانستان حمله نمود و حامد کرزی یگانه فرد مورد تایید خود را به کرسی ریاست جمهوری نشاناند.^{xxxviii} حمله ی که نوزده سال از عمر اش می گذرد، تا هنوز معلوم نیست که چند سال دیگر دوام بیاورند. امروزه، ما نتایج این نظام(ایالات متحده امریکا) را می بینیم، نظامی که این طور دیوانه وار و لجام گسیخته عمل می کند.^{xxxix} در این شکی نیست که امریکا هژمون نیمکره غربی است، اما یک هژمون جهانی نیست ایالات متحده امریکا قدرت برتر نظام اقتصادی جهان است، اما دو قدرت بزرگ دیگر هم در نظام بین الملل وجود دارد، یعنی چین و روسیه،^{xl} روسیه که چندی قبل گزارش های مبنی بر معامله با طالبان به خاطر به قتل رساندن نظامیان امریکایی در افغانستان به نشر رسید؛^{xli} و چین که روز قبل رئیس FBI اعلام نمود که بزرگترین تهدید علیه امنیت داخلی و خارجی امریکا است و در هر ده ساعت یک نفر به ظن همکاری به استخبارات چنین دستگیر می شوند^{xlii}؛ این هر دو هرگز آرام نخواهد نشست و در صدد تلافی نمودن سالهای گذشته شان خواهد ماند. موقعیت ژئوپلیتیک افغانستان برای سیاست خارجی امریکا بسیار حساس است، افغانستان اگر دیروز باب ورود به آب های گرم خوانده می شد^{xliii}؛ امروزه موقعیت بام دنیا را دارند؛ کنترل بام دنیا به معنی کنترل یا مهار روسیه هستوی، منقاد ساختن چین اقتصادی و هستوی، مطیع و زیر کنترل گرفتن هند اقتصادی و هستوی، سایه افگندن بالای کشورهای آسیایی میانه و خاور میانه... پس در چنین شرایط امریکا به زودی از سر ما دست بردار نیست، چون فرمانروایی بر جهان از راه فرمانروایی بر افغانستان می گذرد.

این موقعیت ستراتیژیک سبب شده است در افغانستان همیشه جنگ و بحران حکمفرما باشد تا صلح و امنیت و همواره حکومت های مستکبر و دست نشانده و استعماری در آن حکومت کرده است تا اراده ی مردم و حکومت های ملی و مستقل و بدینسان همیشه در فقر، تنگدستی، جهالت و وحشت نگهداشته شده است. که نتیجه مستقیم جنگ بوده است. با این حال همواره اشغالگران و استعمارگران در طول تاریخ نتوانسته اند از این جغرافیا استفاده چندان نمایند و هر

آنتشی را که در افغانستان شعله ور نموده اند در قدم اول دامن خودشان را سوزانده است و تجاوزگران؛ خود گورگن خود بوده و افغانستان قبرستان تجاوزگران، اسکندر مقدونی جهانگشای بزرگ در افغانستان به مشکل برخورد. و زمانی چنگیز با تلفات سنگین و شکستهای پیاپی در فرهنگ غنی افغانستان ذوب گردید. انگلیس ها سه بار به افغانستان لشکر کشید و هر بار با روسیاهی تمام از افغانستان به بیرون انداخته شد. هنوز هم متعلمین و محصلین انگلیسی جنگ میوند، قیام بالا حصار کابل، قتل مکناتن، برنس و کیوناری را به عنوان لکه های سیاه تاریخ خود می داند که با بسیار بی شرمی شکست خوردند و کشته شدند. در قراء و قصبات افغانستان هنوز هم فوسیل های اجساد سربازان انگلیسی یافت می شوند. و خاطرات اخزین سرباز انگلیس برآیدن نیمه جان در ذهن انگلیسها باقیست. در اواخر قرن بیست افغانستان قبرستان سربازانی روسی بود و نتیجه این تجاوز بیرحمانه و بیشرمانه ارتش سرخ برای شوری سیزده هزار کشته، سی و پنج هزار زخمی و ملیاردها دالر خساره ی مادی^{xliv} و در نهایت منتج به فروپاشی آن گردید. افغانستان نیز در این جنگ خانه مان سوز چندین برابر شوروی خساره و بهای گزاف پرداختند. و حالا هم که امریکا همراه با بیش از 41 کشور دیگر در افغانستان است؛ هنوز هم کورگه وضعیت صلح در افغانستان نامعلوم است! کوتاه و مختصر می توان گفت وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ما کاملاً وابسته به سیاست خارجی قدرت های بزرگ است؛ قدرت های که هرگز سر تقسیم جغرافیای به نام افغانستان با هم توافق معنی دار نخواهد کرد، موقعیت ژئوپلیتیک ما باعث شده است؛ تا ما گره گاه تضاد منافع کشورهای قدرتمند باشیم و این همه پارادوکس ها و تضاد (تضاد منافع روسیه و امریکا - تضاد منافع امریکا و چین - تضاد منافع هند و پاکستان - تضاد منافع ایران و امریکا - تضاد منافع عربستان سعودی و ایران - تضاد غیر ملموس اروپا و امریکا...) را در این منطقه تجربه کنیم. اعداد موجود در هر پروسه پیوسته یکدیگر را دفع می کنند، در مبارزه با یکدیگر قرار می گیرند و در مقابل یکدیگر می ایستند. این اعداد چه در پروسه تکامل کلیه اشیاء و پدیده های جهان و چه در تفکر بشر موجودند؛ در اینجا هیچ استثنایی نیست.^{xlv} آیا جمع این همه اعداد در یک دسترخوان به نام افغانستان ممکن است؟ عقل سلیم حکم می کند؛ نخیر!!!

تنوع و گوناگونی سیاست کشورهای منطقه و فرامنطقه در افغانستان از نوع انتاگونیستی آن است و نمی تواند پیامد نیک برای مردم افغانستان داشته باشد. ایده منافع به واقع در ذات سیاست^{xlvi} کشورها وجود دارد و هر یک در پی جستجوی منافع خود است؛ جستجوی منافع عمدتاً در تاریخ خانه ها بهتر و سهل تر حصول می شوند، به این ملحوظ اکثرآ کشورهای منطقه و فرامنطقه کوشش می نمایند تا افغانستان را در ظلمت، تاریکی و عقب ماندگی نگهدارند؛ چون در شرایط روشن نمی تواند منافع خود را درست جستجو نمایند. افغانستانی که در طول تاریخ نوین اش بیشتر به این نامها شهره بوده است: (گره گاه تضاد منافع، حایل، میانگیر، حاشیه، باب ورود به ابهای گرم، چهار راه آسیا، نقطه اتصال تمدن ها، تخته خیز، بام دنیا)، سیاست داخلی و خارجی آنرا ابر قدرت ها سمت و سوء می داده اند؛ وقتی که سیاست یک جغرافیا را کشورهای خارجی جهت دهند، در این صورت اولین قربانی و آخرین منفعتگیر در نظام بین المللی می باشند، در چنین شرایط این کشورها باید به موارد ذیل دقت کند:

1. افغانستان گره گاه تضاد منافع کشورهای جهان است که نیاز به گره گشا (با هوش و مستعد، با شتم سیاسی، قوه تجزیه و تحلیل و استدلال، قوه ابتکار عمل و اتکاء به نفس، آینده نگر، صبور و برده بار، کنترل احساسات، زیرک و راز دار، پرهیز از جزم اندیشی (دگم نگری) در مسایل سیاسی و اجتماعی، توانایی نفوذ و تاثیر بر دیگران، ...^{xlvii}) دارند. این گره گشا باید فن افزایش اعتبار خود و فن کاستن ارزش حریف را به خوبی یاد داشته باشد.^{xlviii}

- a. این نقاط را باید بیشتر مورد توجه قرار دهند: معارف، همدیگر پذیری و یکپارچگی ملی، وضع سیاست های که کشور حایل را خودکفا کند، ...
 2. تشخیص نقاط مشترک کشورهای که تضاد منافع دارند، یک امر ضروری و حتمی است.
 3. سرمایه گذاری و طرح سیاست های مشخص بالای نقاط مشترک کشورهای که تضاد منافع دارند.
 4. پرهیز از سیاست گذاری هاییکه برای یک طرف پارادوکس احساسات برانگیز است؛ مثلاً منطقی نیست اعمار بند برق بالای دریایی کنر را به هند بسپارید.
 5. استفاده صحیح و درست از دیپلماسی فعال و علمی:
- دیپلماسی باید اهداف خود را با توجه به قدرتی که به طور بالفعل و بالقوه برای تعقیب این اهداف در اختیار دارد، تعیین کند.
 - دیپلماسی باید اهداف سایر دولتها و قدرت بالفعل و بالقوه آنها را تعقیب این اهداف برآورده کند.
 - دیپلماسی باید تعیین نماید که این اهداف مختلف تا چه حد با یکدیگر سازگار هستند.
 - دیپلماسی باید ابزار مناسبی را برای تعقیب این اهداف به کار گیرد.^{xlix}

6. برای عملی نمودن طرح‌های بزرگ باید به دو طرف متضاد تفهیم گردد؛ که این یک فرصت است نی تهدید، اگر چه این نوع دیپلماسی مشکل است؛ اما ناممکن نیست.
7. سهم دادن به کشورهای که تضاد منافع دارد در یک پروژه یا پروژه‌های مختلف زیر بنایی اگر ممکن باشد.
8. نباید بالای یک طرف نقیض تکیه کرد. تکیه بالای یک طرف در حقیقت تهدید برای طرف دیگر محسوب می‌شود. چنانچه بارها پاکستان نزدیک شدن افغانستان به هند و هند نزدیک شدن افغانستان به پاکستان را تهدید علیه خود تلقی کرده است.
- a. رابطه با هر یک از طرفین باید براساس استراتژی‌های درازمدت و کلیت منافع باشد.
9. کشورهای حایل یا گره گاه تضاد منافع باید بیشتر پالیسی ساز باشد و دیپلماسی قوی ترین ابزار آن.
10. کشورهای حایل باید مباحث حقوقی، حقوق بین الملل و اخلاق بین الملل حداکثر استفاده را نمایند.
11. گره گاه تضاد منافع باید نقاط قوت اش را در مقابل هر یک از ضدین درست تشخیص دهد تا بتواند در موقع مناسب از آن استفاده بهینه نمایند. مثلاً دیپلماسی اب برای افغانستان بهترین ابزار و نقطه قوت است علیه پاکستان و ایران.
12. افغانستان باید اهداف خود و اهداف سایر دولتها را از نظر سازگاری یا عدم سازگاری همیشه مقایسه کند.

ⁱ <https://dictionary.abadis.ir/fatofa>

- ⁱⁱ مجتهد زاده، پیروز، ایده‌های ژئوپلیتیک و واقعیت‌های ایرانی، مطالعه روابط جغرافیا و سیاست در جهان دگرگون شونده، (تهران، رسالت، 1387) ص 62
- ⁱⁱⁱ ارسطو، سیاست، ترجمه حمید عنایت (تهران، انتشارات حبیبی، 1364) صص 291-297
- ^{iv} همان صص 291-297
- ^v R.D. Dikshit, political Geography (New Delhi: Tata McGraw-Hill Publishing Company, 1982, PP 104-105
- ^{vi} ملکوتیان، مصطفی، جغرافیا و سیاست (تهران، انتشارات رسالت، 1371) صص 40-41
- ^{vii} R.D. Dikshit, political Geography (New Delhi: Tata McGraw-Hill Publishing Company, 1982, PP 112
- ^{viii} ملکوتیان، مصطفی، جغرافیا و سیاست (تهران، انتشارات رسالت، 1371) صص 37-59
- ^{ix} دورژ، موریس، جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه ابوالفضل قاضی (تهران، جاویدان، 1385)، ص 48.
- ^x ملکوتیان، مصطفی، جغرافیا و سیاست (تهران، انتشارات رسالت، 1371) صص 32-33.
- ^{xi} موسوی، سید علی، تاریخ تحلیلی افغانستان از ظاهر شاه تا کرزی (کابل، مطبوعه بلخ، 1388) ص 127.
- ^{xii} فرهنگ، محمد صدیق، افغانستان در پنج قرن اخیر (پشاور، آریانا آفست پرنترز، 1367) ص 1
- ^{xiii} بابا خواجه یف، مراد، ترجمه: عزیز اریانفر، مبارزات مردم افغانستان در راه استقلال (در سالهای 1842-1838)، (مسکو، ادبیات خاور، 1960) ص 110
- ^{xiv} موسوی، سید علی، تاریخ تحلیلی افغانستان از ظاهر شاه تا کرزی (کابل، مطبوعه بلخ، 1388) ص 127.
- ^{xv} کار، ای اچ، ترجمه نجف دریابندری، تاریخ روسیه شوروی (انقلاب بلشویکی 1917-1923)، (تهران، بهمن، 1371) جلد سوم، ص 561
- ^{xvi} همان ص 560
- ^{xvii} عظیمی، محمد نبی، اردو و سیاست (در سه دهه اخیر افغانستان)، (پشاور، میوند، 1378) ص 9
- ^{xviii} مصباح زاده، سید محمد باقر، تاریخ سیاسی مختصر افغانستان (مرکز پژوهش‌های افتاب، 1488)، ص 61
- ^{xix} فریاد افغان، نجم الدین، نگرشی بر تاریخ معاصر افغانستان (پشاور، انجمن نشراتی دانش، 1384) ص 48
- ^{xx} همفر، خاطرات همفر جاسوس انگلیسی در ممالک اسلامی، ترجمه محسن مویدی، (تهران، امیر کبیر، 1362) ص 14.
- ^{xxi} همان ص 2.
- ^{xxii} غبار، میر غلام محمد، افغانستان در مسیر تاریخ، (کابل، مرکز نشر انقلاب با همکاری جمهوری، 1368) ص 411.

د پانو شمیره: له 5 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راپورولو مخکې په خیر و لولئ

- xxiii بابا خواجه یف، مراد، ترجمه: عزیز اریانفر، مبارزات مردم افغانستان در راه استقلال (در سالهای 1838-1842)، (مسکو، ادبیات خاور، 1960) ص 228
- xxiv لهیب، حزب دمکراتیک خلق افغانستان را بهتر بشناسید (انتشارات حزب کمونیست مایویست افغانستان، خزان 1390) ص 43
- xxv کار، ای اچ، ترجمه، نجف دریابندری، تاریخ روسیه شوروی (انقلاب بلشویکی 1917-1923)، (تهران، بهمن، 1371) جلد سوم، ص 560
- xxvi تیخاتف، یوری، ترجمه، عزیز اریانفر، نبرد افغانی استالین (سیاست قدرت های بزرگ در افغانستان، و قبایل پشتون)، ص 65
- xxvii همان ص 62
- xxviii همان ص 66
- xxix Samar Chatter Sing, India and Anglo- Soviet Relation 1917- 1947, (Bombay, 1995), P 52-53
- xxx عظیمی، محمد نبی، اردو و سیاست (در سه دهه اخیر افغانستان)، (پشاور، میوند، 1378) ص 225
- xxxi موسوی، سید علی، تاریخ تحلیلی افغانستان از ظاهر شاه تا کرزی (کابل، مطبعه بلخ، 1388) ص 129
- xxxii <https://www.bbc.com/persian/afghanistan-47227857>
- xxxiii ورسجی، محمد ابراهیم، جهاد افغانستان و جنگ سرد قدرت های بزرگ (پشاور، اسلامی صبور، 1381) ص 742
- xxxiv همان ص 746
- xxxv تمنا، فرامرز، سیاست خارجی امریکا در افغانستان (تهران، مطالعات راهبردی، 1387) ص 26
- xxxvi اندیشمند، محمد اکرم، امریکا در افغانستان، (کابل، میوند، 2005)، ص 44
- xxxvii خلیل زاد، زلمی، ترجمه: هارون نجفی زاده، فرستاده از کابل تا کاخ سفید سفر من در جهان آشفته (کابل، عازم، 1395) ص 109
- xxxviii سپنتا، رنگین دادفر، سیاست افغانستان؛ روایتی از درون (کابل، عازم، 1396) ص 215
- xxxix پرکینز، جان، اعترافات یک جنایکار اقتصادی، ترجمه، مهرداد خلیل شهابی – میر محمود نبوی (تهران، اختران، 1388) ص 12
- xl مرشایمر، جان، ترجمه، غلام علی چگنی زاده، تراژدی سیاست قدرت های بزرگ (تهران، وزارت امور خارجه، 1388) ص 405
- xli <https://www.bbc.com/persian/afghanistan-53233513>
- xlii <https://www.youtube.com/watch?v=1UWJdFkBowY>
- xliiii تیپلیتسکی، ل. ب.، تاریخ مناسبات افغانستان و شوروی، مسکو، 1988، ص 33-42.
- xliiv موسوی، سید علی، تاریخ تحلیلی افغانستان از ظاهر شاه تا کرزی (کابل، مطبعه بلخ، 1388) ص 129
- xlv مایوتسه دون، در باره تضاد، اگست 1937، ص 28
- xlvi مورگنتا، هانس جی، ترجمه: حمیرا مشیرزاده، سیاست میان ملتها (تهران، وزارت امور خارجه، 1389) ص 16.
- xlvii کمیاب، سید علی حق شناس، مبانی دیپلماسی و ادب دیپلماتیک (تهران، سنا، 1390) ص 250-277
- xlviii همان ص 239-243
- xlix مورگنتا، هانس جی، ترجمه: حمیرا مشیرزاده، سیاست میان ملتها (تهران، وزارت امور خارجه، 1389) ص 846